

موسسه



پرو، شہد گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در مقاله زیر «پست مدرن» در موسیقی مورد بررسی قرار گرفته و مختصری از آن به همراه بیوگرافی، آثار و همکاریهای موسیقیدانان این گرایش به دست داده‌ایم. «مینی‌مالیست»ها، سبک و نظریات آنان سخن بعدی این گفتار است.

دیدگاههای موسیقی نو و رابطه آن با علم و شرایط اجتماعی به همراه عناوینی از افکار و اندیشه‌های پست‌مدرنیستی از دیگر مضامین این مبحث به‌شمار می‌آید.

بهمن مه‌آبادی

پست مدرن و موسیقی

ناشناخته، هنر نقاشی را در کاوشی تاریخی به کوبیسم رساند و ایگور استراوینسکی پرده‌های پندار راه از تجربیدی‌ترین هنرها درید و مدرنیسم را آنچنان‌که در چارچوب خلاقیت او می‌گنجید، وارد عرصه‌های موسیقی ساخت و هارمونی دچار تغییراتی شگرف شد. آرنولد شوئنبرگ قدم بعدی را برداشت و دیگر متفکران تازه‌جو در قدمهای بعدی چیزی را تدارک دیدند که از حوزه تخیل و تفکر آنهاست که در نخستین سالهای این قرن می‌زیستند، خارج بود. از دهه چهل و پنجاه به بعد، موسیقی در بستر تحولات غیرقابل پیش‌بینی قرار گرفت

امروزه کسی بدرستی نمی‌داند که تاریخ موسیقی مدرن از چه زمانی شروع شده است. زمانی که ریچارد واگنر دست به آفرینش اپراهای خود زد موسیقی به حیطة مرحله‌ای نو گام گذاشت اما این پایان کار نبود. دبوسی امپرسیونیست با آثار خود جهانی را به دگرگونی دعوت کرد و راول نوعی از موسیقی را ارائه نمود که در ابتدا با ناخشنودی شنوندگان سنتی مواجه گردید. در سرآغاز قرن بیستم و درست زمانی که تحولات قدرت سریعتر اتفاق می‌افتاد، انیشتین، تئوری نسبیت خود را به جهانیان عرضه نمود و پیکاسو در جستجوی گم‌شده‌ای



اولیویه مسیان جوان

و ارکستر مجلسی و «کاتولگ پرندگان» (۱۹۵۸) از این سری هستند. اولیویه مسیان در ۱۹۶۷ به عضویت انستیتوی فرانسه درآمد و به احترام اقداماتش در دگرگونیهای موسیقی و پرچمداری انقلاب بزرگ موسیقی نیمه دوم قرن بیستم، نامش را بر روی کوهی در یونان گذاشتند. مسیان «روپاهای آمین» خود را برای پیانو، و «۲۴ نگاه به کودکی مسیح» را برای یک پیانو نوشت. سمفونی «تورانگلیا» در ده موومان و کوارتت «آخر زمان» برای پیانو، ویولن، کلارینت و ویولنسل به همراه بسیاری دیگر از آثارش او را از پیام‌آوران موسیقی سده بیستم ساخت.

وی در این مسیر از مدرنیسم گذشت و به ماورای مدرنیته قدم گذاشت. اولیویه مسیان در دوران زندگی خود، که تا یک سال پیش (۱۹۹۳) نیز ادامه داشت نسل بعدی موسیقی جهانی را تربیت کرد و با تبلیغ لزوم تحول، آنان را انسانهایی متحول به بار آورد. به جرأت

و نیز مانند عرصه‌های دیگر علوم و هنرها دگرگون شد. امروزه نظریه انیشتین، طرح پیکاسو و اقدام استراوینسکی امری پیش پا افتاده به نظر می‌رسد و چه بسا که انسان امروز، بسیار فراتر از آنچه که آنروزها اتفاق افتاد، ایستاده و هنوز هم به کشف مرزهای ناشناخته دیگر می‌اندیشد. انگاره‌های متفکران این قرن اراده آدمی را به قدرت معطوف ساخته است. این تغییرات فاحش ساختارهای کهن را در هم ریخته و چشم‌انداز تازه‌ای برای آدمی به ارمغان آورده است.

موسیقی هم در این مسیر دستخوش تحول بسیار شد. اولیویه مسیان^۱ آهنگساز فرانسوی متولد ۱۹۰۸، از شخصیت‌های هنری مطرح است که نقطه عطفی در تاریخ موسیقی به شمار می‌آید. او راه را برای پست‌مدرنیستهای آتی گشود. او ابتدا در مقام ارگ‌نواز و منقد و نویسنده موسیقی کار خود را شروع کرد و به عنوان یکی از بنیانگذاران گروه فرانسه جوان با ژولیو، لسور و بودریه همکاری صمیمانه‌ای داشت. وی در دوران تحصیل خود در کنار دیگر دروس موسیقی به آموزش ریتم و موسیقی هندی همت گماشت. مسیان نقش عمده‌ای در تحول ریتم و توسعه ریتمهای پیچیده در موسیقی ایفا کرد. زمانی که وی در «ترینته» به بداهه‌نوازی پرداخت جایی که ارگ می‌نواخت و تدریس می‌کرد از اقصا نقاط برای دیدن او و شنیدن موسیقی‌اش هجوم می‌آوردند. مسیان در حدود سال ۱۹۴۲ به استادی هارمونی کنسرواتوار رسید و روشهای زیبایی‌شناسانه خود را در هارمونی ارائه نمود. او با به تحریر درآوردن نظریه‌های خود، موسیقی قرن بیستم را در سالهای پنجاه دگرگون ساخت و با این اقدام سربل را عمومیت بخشید. در آثار مسیان ملودی و ریتم از آنچنان غنایی برخوردار است که دست‌نیافتنی می‌نماید. او در سیر آزاد خود، با تقلید از آواز پرندگان به تصنیف آثاری دست زد که موسیقی‌اش را نامیرا ساخت. قطعه «بیداری پرندگان» (۱۹۵۳) برای پیانو و ارکستر، «پرندگان غیربومی» (۱۹۵۵) برای پیانو

Comb. 1 R: fl., bourd., gambe > | Pos: cornet 3 rangs, cor de nuit 8 - < | G: fl. harm., bourdon 8, bourdon 16 - |
 Très modéré (Merle à plastron)

Pos. 1

8 (Chouette de Tengmalm)
 Bien modéré

(bourdon 16, bourdon 8, seuls)

Comb. 6 R: fonds 16,8 - bombarde 16, trp. 8 - < | Pos: fonds 16, 8,4, mixtures, anches 16, 8,4 - < |
 G: montre 8, prestant 4, plein jeu 5 rangs, cymbale 4 rangs - | Ped: fonds 16,8,32 - tir. R |

Vif (en fusée) (cri du Pie noir)
 Un peu lent

(former R: ornement)

Comb. 8 R: fl. 4, nasard 2 2/3, octavin 2, 3^o 1 2/3, cymbale 8 rangs - < | Pos: clarinette, flageolet 2, 3^o 1 2/3, piccolo 1 - Pos. en 16,8,4 - > | G: bourdon 8 seul - | Ped: violoncelle, flûte 4 - |

Un peu vif Un peu lent Un peu vif Un peu lent



اولیویه مسیان در میان شاگردانش

به آزمونهای نو دیگری در موسیقی دست زد که در آنها موسیقی غیرمدرن با موسیقی مدرن و اصوات ضبط شده بر روی نوار، ویژگی تازه‌ای را به آثار او داد. وی یک سری کامل از اپراهای خود را تحت عنوان جامع برای «نور» تصنیف کرد. این کارها همچون یک پروژه، برای الکترواکوستیک به انضمام نور و رنگ ساخته شده بود و شباهت عجیبی را به موسیقی راک القا می‌کرد. این موسیقیدان شورشی قطعه «گروهها» را برای سه ارکستر با سه رهبر به سال ۱۹۵۷ تصنیف کرد. «بازی شطرنج» (۱۹۴۸) برای چهار ساز، «مس زمان» (۱۹۵۶) برای پنج ساز، «تماسها» (۱۹۶۰) برای نوار مغناطیسی، پیانو و پرکسیون و «تضاده‌ها» (۱۹۵۴) برای ارکستر مجلسی از دیگر آثار اشتوکهاوزن هستند.

مین واپل^۶ در یک حس مشترک و در پی یافتن قلمروهای تازه، در فضای صداهای قدیمی به سالهای شتابزده پیشرفته‌ای می‌اندیشد، که شکل گویشی

می‌توان ادعا کرد که نسل بعدی بی‌چون و چرا از او الهام گرفتند و گاه در آثار خود از این هنرمند متفکر نیز فراتر رفتند. اشتوکهاوزن^۴، بولز^۳ و دیگران از مسیان بسیار آموختند. پس سیرا نسبت، که یکی از توسعه‌دهندگان افراطی سبک مدرن و یکی از اصلی‌ترین ابداع‌کنندگان موسیقی الکترونیک را کارل هاینز اشتوکهاوزن، آهنگساز جنجال‌برانگیز آلمانی متولد ۱۹۲۸ می‌دانند. او در ردیف اولین آهنگسازان مصنف موسیقی الکترونیک و از پیشگامان نمونه‌های چاپی این نوع موسیقی به‌شمار می‌رود. اشتوکهاوزن از شاگردان مارتین^۴ در کلن بود. وی در پاریس نیز با اولیویه مسیان مدتها به کار پرداخته و از تجربیات با ارزش مسیان بهره‌ها برده است. اشتوکهاوزن در دوران اولیه کار خود، تحت تأثیر وبرن^۵ و شیوه دوازده‌نتی او، آثاری را در این زمینه بوجود آورد که موجبات دگرگونی‌هایی را در موسیقی جهانی فراهم کرد. اشتوکهاوزن از ۱۹۵۶ به بعد

مخصوص را طلب می‌کند. او در این راه شوئنبرگ را به عنوان الگو برمی‌گزیند و با اشتیاقی وصف‌ناپذیر و برهانی قاطع راه او را ادامه می‌دهد. این روش نوین، جنبشی را برای جلوه‌گری موسیقیها و فیگورهای از این قبیل تدارک می‌بیند که به پی‌یر بولز، لوچانو^۷ بریو و پیشروان دیگر ختم می‌شود که تا آخرین سالهای دهه نود در قرن بیستم امتداد یافته است. این زندگی جدید و برخورد نو، پست‌مدرن نام دارد. ولی در عین حال عده‌ای معتقدند که این اطلاق یک تناقض صرف بیشتر نیست. اما اقوال جمعی اذهان بیدار جهانی، خبر از دگرگونی شگرفی را به گوش بشریت می‌رساند و در طی این مانیفست دقیق خود، بسیار فروپاشیها و دگردیسیها را پیش‌بینی می‌کند. زیرا اگر انسان ابتدای این قرن دست مصنوعی را به بشریت هدیه می‌دهد و از ساخت ربات خشنود به نظر می‌رسد این جماعت متفکر آخرین سالهای سده بیستم مغز اندیشمند و هوشیار را طراحی کرده و در گرامیداشت والترین تفکر آنها به سطوح مختلف اجتماع بشری وارد می‌کنند. این البته یک واکنش طبیعی و قابل انتظار در جهان پیشرفته امروز است. در این قرن پیشرو، موسیقی نیز همچون دیگر شاخه‌های هنر و علم رو به سوی دگرگونی نهاده و از حالت‌های سنتی دور می‌شود. ملودیه‌ها و ریتم‌های احساساتی و هیجان‌انگیز به همراه برانگیزانندگی و افسونگری خود، کیفیت‌های نو موسیقیهای سنتی را که به هر حال مرتبط به جنبه‌هایی از سیستم مطالعاتی اینتوموزیکولوژی است، با خود همراه می‌کنند. موسیقی پست‌مدرن آمیزه‌ای از سنت و مدرنیته را ارائه می‌کند که ضرورتاً مارک کهن آیینی به آن چیزی جز اتهام بیهوده نمی‌تواند باشد. زیرا این پست‌مدرنها هستند که سهم تفکر موزیکال و تکنولوژی پیشرفته و برتر را به خود اختصاص می‌دهند و به این قدر نیز اکتفا نکرده تندتر و پیشروتر از زمان در این قرن حرکت می‌کنند. آنها نیک می‌دانند که گذشت زمان قابلیت درک آثارشان را بیش از

پیش فراهم خواهد کرد.

در قرن ما موسیقی پیشرو درجه‌های بسیاری را برای دستیابی به کمال لازم در جهت برقراری رابطه و ایجاد دیالوگ گشوده است. دگرگونیهای بی‌حد و حصر ماده اولیه موسیقی در سده بیستم، تا به آن حد فراتر رفته است که به درهم ریختن کلیه شیوه‌های قدیمی آهنگسازی، اجرا و بالاخره موزیکولوژی انجامیده و به تغییر تلقی موسیقیدان و شنونده منتهی شده است. به دنبال این تحولات، موسیقی در موقعیتهای فرهنگی، اجتماعی و ذهنی تازه‌ای قرار گرفته و به امر برداشت مردم از آن، جایگاه تاریخی هنری و شیوه‌های اجرایی اش شکل تازه‌تری داده است. این همه یک جریان فورمالیستی نیست زیرا انسان متفکر در این قرن به دنبال تحقق ایده‌های خود بسی چیزها را نیز دچار تغییرات فاحش کرده است. بندگسلی، استقلال و آزادی نیز به همراه ساخت و پرداخت انواعی از سلاحها و افکار مسموم رشد کرده و تمام عرصه‌های اجتماعی فرهنگی و علمی - هنری را نیز فراگرفته است.

پی‌یر بولز از طرفداران اصلاحات و ایجاد امکانات جدید در موسیقی است. طوری که او در ۱۹۶۰ که شاید بتوان آنرا زمان اوج پذیرش موسیقی مدرن از سوی محافل علمی دانست، اظهار می‌دارد: «دیگر امکان تصنیف اثر با روشهای اجرای سنتی ملودی ریتم و هارمونی به پایان رسیده است.» این البته برای اولین بار نیست که چنین نظریه‌ای ابراز می‌شود. قبل از او استراوینسکی، هیندمیت^۸، بارتوک^۹ و شاید پندرسکی^{۱۰} نیز چنین اندیشیده‌اند.

پی‌یر بولز متولد ۱۹۲۲ در مونت بریسون فرانسه، آهنگساز فرانسوی برای دانش‌اندوزی و کسب مهارت‌های لازم به پیش اولیویه مسیان و رنه لایب ویتز^{۱۱} می‌شتابد و تجربیات شایان توجهی را از استراوینسکی و مسیان در تکنیک نوین دوده کافونیزم کسب می‌کند و شیفته کارهای آنتوان و برن شاگرد نامدار شوئنبرگ می‌شود.



کارل هاینز اشتوکهاوزن

می‌توان نام برد. این آثار آنچنان که باید مورد توجه پست‌مدرنها قرار نمی‌گیرد اما هم‌میهن جوان لتوساوسکی، کریستف پندرسکی با پرداختن به جریان پست‌مدرن به موفقیت‌های شایانی دست پیدا می‌کند. او به سال ۱۹۳۳ در دیکای لهستان چشم به جهان گشود. بعدها وارد کنسرواتوار کراکو شد و با نبوغ خود راه‌های تازه‌ای را در موسیقی نو به آزمایش گذارد و نیز در زمینه‌های سوررئالیسم و الکترواکوستیک به طبع آزمایشی پرداخت. پندرسکی پایان‌نامه خود را به نام «یادبود

بولز از پیروان و گسترش‌دهندگان متدهای تکنیک دوازده‌نتی برای ارگانیزه، در خویشاوندیها و بافت‌های ریاضی ریتمها، ولوم و غیره به حساب می‌آید. او در استعمال فضا‌های افکتال، تجربیات جدیدی را به عرصه‌های مختلف موسیقی وارد می‌کند. آثار دربردارنده قطعات پیانوی وی، اغلب با پیچیدگی‌های وسیع و با سفارشات برای اجرا همراه هستند. قطعه «پتک بدون استاد»^{۱۲} برای کنترالتو و ارکستر مجلسی و «چین درچین»^{۱۳} برای ارکستر به همراهی سوپرانو «پرتوهای از مالارمه» برای سوپرانو و ارکستر از آثار برگزیده موسیقی قرن ما به حساب می‌آیند. پی‌یر بولز با بنیانگذاری و سرپرستی لابراتوار تحقیقات موسیقی رادیوی بادن بادن نقش عمده‌ای را در حل و فصل موسیقی علمی الکترونیکی ایفا می‌کند و همچون مؤسسات تحقیقاتی کلن و میلان به تعمق و ژرف‌نگری در زمینه‌های موسیقی الکترونیکی کمک می‌نماید. او با رشادت و پایداری خاصی از عقاید و آراء زیباشناسانه موسیقی نوین به دفاع برمی‌خیزد و گاه نیز با تندی مخالفان خود را بر سر جای خود می‌نشاند. «خورشید آبها»^{۱۴} برای صدای انسان و ارکستر «اکلا»^{۱۵} برای ارکستر مجلسی «تصویر شب ازدواج»^{۱۶} برای سلوی آواز، کُر و ارکستر «پولیفونی ایکس»^{۱۷} برای هیجده ساز از دیگر آثار بولز می‌باشند. او در سالهای ۱۹۵۰ همانند یک قهرمان مدرنیست آوانگارد، جهانی را به تسخیر خود درمی‌آورد. در همین دوران، آهنگساز ارکستری لهستان ویتولد لتوساوسکی^{۱۸} متولد ۱۹۱۳ کنسرتوی خود را برای ارکستر می‌نویسد. این اثر دارای حالتی مرتعش و لرزان است که به موسیقی فیلم شباهت دارد. اما علی‌رغم این حالت، ساختمان اثر مطابق رسوم و قراردادهای اولیه تصنیف شده است.

از آثار این آهنگساز «سویت کوچک»^{۱۹} قطعه «یک جور تصویر در سه قاب»^{۲۰} برای صدای انسان و ارکستر آوازهای کودکان و مجموعه آوازهایی برای گروه کُر را

2
4

ca 3 f

6 tutti
4 mf

2
4

169 3/4 J-151

ca 2 f

169 3/4 J-142

170 2/4 J-127

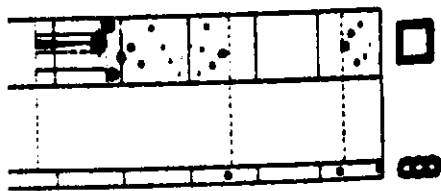
171 5/8 J-127

fff non dim.

90

بخشی از گروهها، اثر اشتوکهاوزن

موسیقی تغییر یافته قدیمی در هم آمیخت. پندرسکی از لحاظ اندیشه آهنگسازی دارای دو وجه تمایز است. اول استفاده از موسیقی کهن که برایش حکم گونه‌ای از الگو را داراست و دوم وجود خلاقیت ویژه، که مربوط به خود اوست. پندرسکی به غیر از بهره‌گیری از انواع سازها و بویژه سازهای ضربی، از اشیاء متفاوت نیز استفاده می‌کند. این اشیاء چیزهایی چون آذیر، صوت،



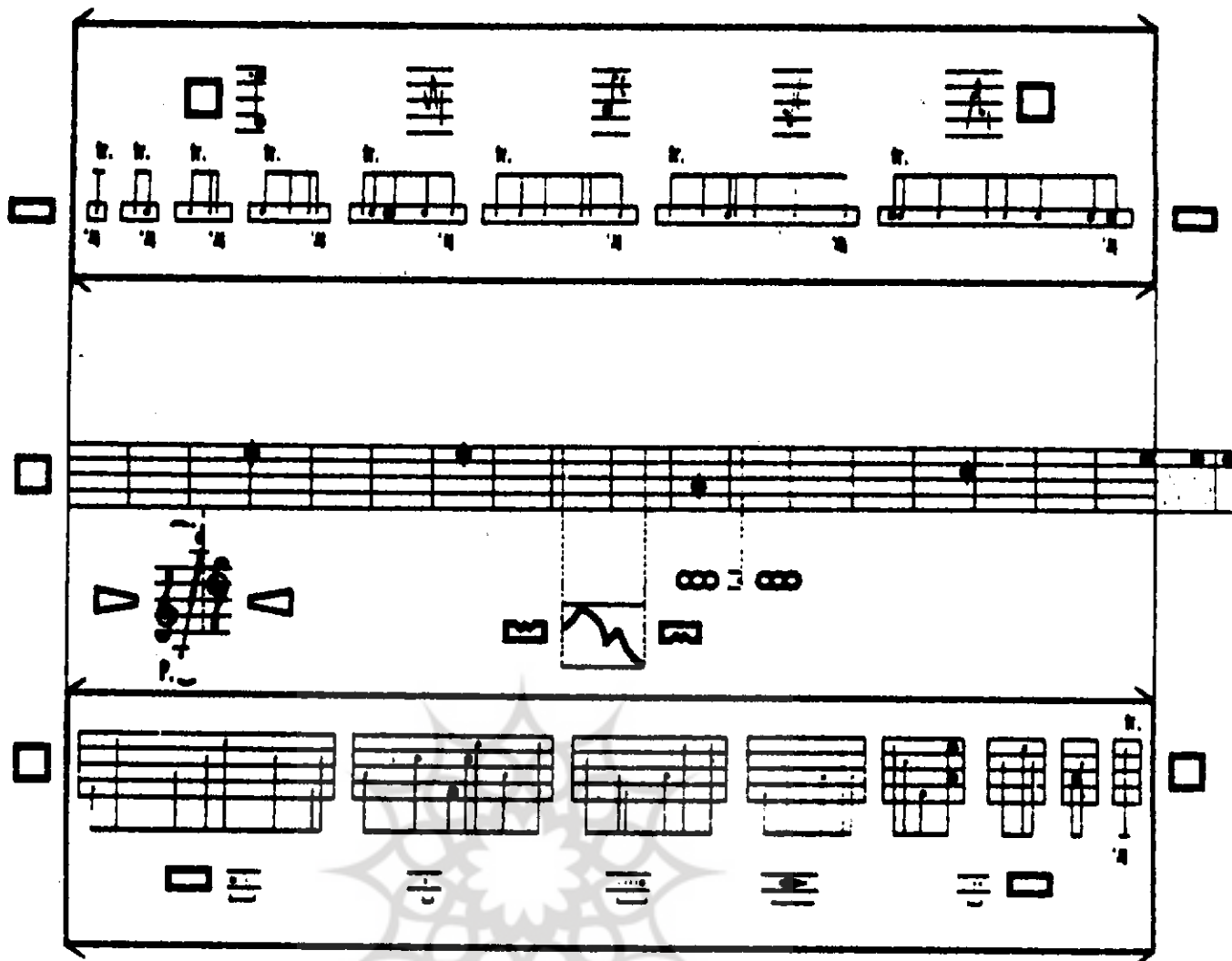
بخشی از حلقه‌ها، اثر اشتروکهاوزن



اشتروکهاوزن



استاد مالاوسکی» برای پرکسیون و زهی در گرامیداشت معلم آهنگسازی خود نوشت. اثر دیگر پندرسکی «به قربانیان انفجار اتمی - هیروشیما» نام دارد که در مراسم پرده‌برداری از بنای یادبود این حادثه به اجرا درآمد. قطعه دیگر او که به مناسبت گشایش بنای یادبود قربانیان آشویتس و بدون دریافت هیچ‌گونه سفارش تصنیف شده، نامش را پرواز سه ساخت. او این اثر را همچون بیسایه‌ای از طرف موسیقی مدرن منتشر می‌کند و می‌گوید: «یک هنرمند نباید و نمی‌تواند در مورد مسائل مربوط به رنج بشری بی‌تفاوت باقی بماند. هنری که از واقعیت دور باشد، خطر دور شدن از طبیعت انسانی را نیز میسر می‌کند و این خطرناک است.» پاسیون سنت‌لوک ۲۱، آوازهای سلو، آثار گُر و ارکستر، کائن برای پنجاه و دو ساز زهی و نوار مغناطیسی و بالاخره اپرای «شیاطین لودون» ۲۲ از دیگر آثار او هستند. «شیاطین لودون»، داستان ماجرای است که قرن هفدهم در یک دهکده کوچک برای کشیشی اتفاق می‌افتد. این ماجرا در ۱۹۵۲ به وسیله الدوس هاگسلی شکافته شده، از دیدگاه تازه‌ای مطرح می‌شود. جان وایتینگ نمایشنامه‌نویس انگلیسی نیز بر اساس داستان هاگسلی نمایشنامه‌ای می‌نویسد و بالاخره پندرسکی در ۱۹۶۹ بر اساس نمایشنامه شیاطین هاگسلی اپرای خود را می‌سازد. این اپرا از سی صحنه کوتاه تشکیل شده است که هر صحنه، جنبه‌ای از حالت موزیکال را داراست. اپرای «شیاطین لودون»، اثری در باره هیجانان هیستریک مذهبی است. از دیگر آثار پندرسکی، سه مینیاتور برای ویولن و پیانو، «پولی مورنیا» برای ۴۸ ساز زهی به سال ۱۹۶۲، کوارتت زهی شماره ۲ - ۱۹۶۸ و اورنور پینزبورگ، که به سال ۱۹۶۷ ساخته شده را می‌توان نام برد. متن موسیقی پندرسکی پر از نشانه‌های تصویری گوناگون است. می‌توان به جرأت اظهار کرد که شکل آثار او بر روی کاغذ، به اشکال گرافیک شبیه است. وی تکنیک موسیقی بسریل را با تکنیکهای



رکویتم برای کُر و ارکستر، قطعاتی برای ارکستر بزرگ و اثری برای سه صدا و هفت ساز و دو کوارتت از جمله آثار او هستند.

هانس ورنر هنز ۲۵، آهنگساز آلمانی متولد ۱۹۲۶، همچون لیگتی به مطالعه و بررسی آوانگارد موزیکال امروز پرداخته و به آفرینش آثاری دست زد که عشق به تئاتر در آن به وضوح نمایان است. او از شاگردان فورتنر ۲۶ و لایب ویتز می‌باشد. هانس ورنر هنز با عشق عمیق خود به دوده کافونیسم سریل، مقبولترین آهنگساز بعد از جنگ آلمان به حساب می‌آید. او از ۱۹۵۳ زندگی در ایتالیا را برگزید و ایده‌های سیاسی خود را در ترکیبات موسیقی‌اش ارائه کرد که در نتیجه، مقداری کار صحنه‌ای دراماتیک مثل «قصیده‌ای برای

آهن، شیشه، زنگ الکتریکی، ماشین تحریر و غیره می‌باشند که صدایشان در موسیقی وی به گوش می‌رسد.

گیورگی لیگتی ۲۴ از اهالی مجارستان (متولد ۱۹۲۳) به مطالعه موسیقی آوانگارد پرداخت و خود آثاری را در این راستا تصنیف کرد که مقبولیت عام یافت. این استقبال با کارهایی همچون اپرای «گراند مکابر» ۲۴ به همراه سمبولیسم خارق‌العاده آن، نام لیگتی را بلندآوازه ساخت. گیورگی به سال ۱۹۵۶ مجارستان را ترک گفت و وین و کلن را برای زندگی برگزید. موسیقی او با نفوذ عمیق خود از تمام تحولات شناخته‌شده دوری می‌جوید و با پرداختن به فرمهای سنتی آزموده شده ولی غیرمعمول، به جریان خود ادامه می‌دهد.



لتواسکی در چهل و در سالگی

وینولد لتواسکی

Begin together with the others

arco v

no I

When everyone has finished, begin together with the others

no II

begin together with the 1st violin

no III

begin together with the 1st violin

no IV

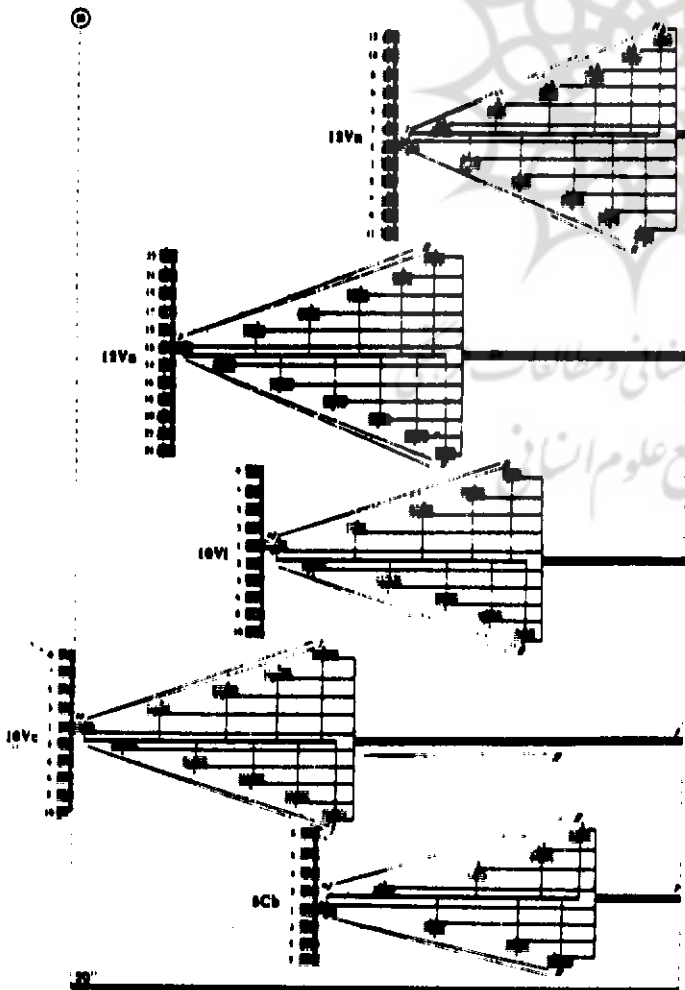
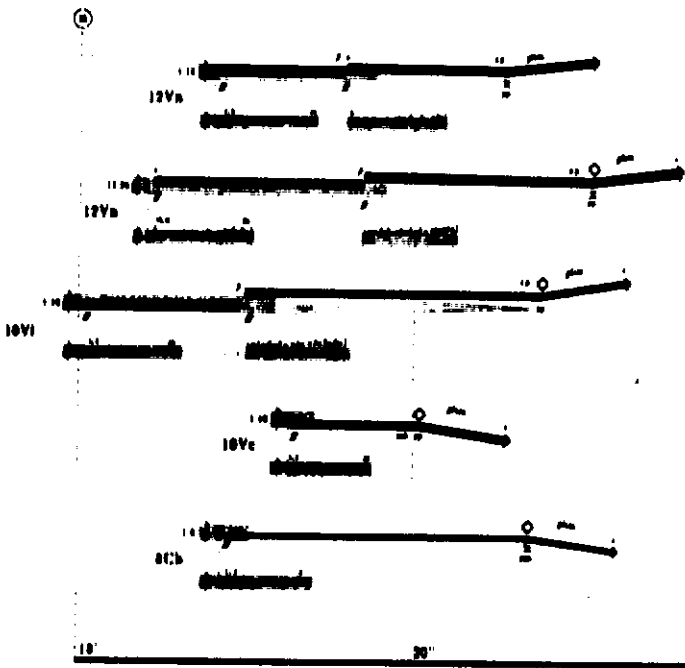
begin together with the 1st violin

vc.

بخشی از کورنت زمی اثر لتواسکی



کریستف پندرسکی



نمونی از قطعه «فرمانان بمب اتمی هروشیما»



نصیر آنتوان ورنه، طراحی شده بوسیله اُسکار کوکوشکا

Ruhig schreitend (♩ = 80)

Clarinetto
Bass-Clarinetto
1. Flöte
2. Flöte
Harfe
1. Oboe
2. Oboe
Brass
Violoncelli

Klingt wie selbst

صفحه اول سمفونی اپوس ۲۱ اثر آنتوان وبرن

حلقه‌ها» که برای صدای انسان، هارپ و دو پرکسیون تصنیف کرده، حالت‌های مخصوص این نوع افکت را جلوه‌گر ساخته است. همچنین بریو در موسیقی الکترونیک هم از استادان نامی به حساب می‌آید. «تمپی کنچرتائی»^{۳۲} برای فلوت و آنسامبل مجلسی و نیز اپرای «آله هوپ»^{۳۳} از کارهای مطرح او هستند. بریو قبل از اینکه در ایالات متحده به پیش دالا پیکولا راه پیدا کند در کنسرواتوار میلان پیش‌گدینی تعلیمات موسیقی خود را آغاز کرده بود. از او سرنادی برای فلوت و چهارده ساز دیگر باقی است که بافت فوق‌العاده‌ای دارد. «هفتمین روز و تغییرات» برای ارکستر^{۳۴} و «اپس فانی»^{۳۵} از دیگر کارهای برجسته بریو محسوب می‌شوند.

موسیقی علمی در جهان از زمان باخ تا به امروز در مسیر تحول مدام گام برداشته است و این به خودی

عاشقان جوان»^{۲۷} و «باساریدز»^{۲۸} همچنین اپراواتوریوی «حبله و نیرنگ مدوزا»^{۲۹} که از نقاشی معروف جری کالت^{۳۰} و داستان آن الهام گرفته است و اپراهای «بلوار خلوت»، «شاه گوزن»، «پرنس هامبورگ» و «لرد جوان» از شاهکارهای او هستند.

کانتات بر روی جمله‌ای از جوردانو پرونو، شش سمفونی، شش اپرا باله برای آلتو، کلاوسن و هشت ساز دیگر و گُر، کنسرتو برای پیانو، کنسرتو برای ویولن، سونات‌هایی برای فلوت، ویولن و پیانو، رقص ماراتون برای گروه جاز و ارکستر سمفونیک از دیگر آثار هنر به شمار می‌روند. وی امروزه سیستم تکنیک دوازده نت را ترک کرده و شیوه دیگری را پیش گرفته است.

لوچانو بریو متولد ۱۹۲۵ از آهنگسازان ایتالیایی و شاگرد دالا پیکولا^{۳۱}، در بکارگیری افکنهای فضایی، از سرآمدان دوران خود است. او در اثر زیبای خود «دایره و

Fl. en sol

2 3 3 2 2

Vcllo

en da - ve dans le pa - nier

Fl. en sol

2 1 2 3 3

Vcllo

meno dim.
tenuto meno dim.

Fl. en sol

3 3 3 3

Vcllo

che - vaux de

Fl. en sol

3 4 3

Vcllo

in beau - dans le fer - à

مورمان دوم و پنک بدون استاد اثر بولز

Encore plus rapide (♩ = 132)

Xylo

Bass

Alto avec cour.

خود چیزی منطقی و قابل قبول به نظر می‌رسد. با این حال، اکثریت مردم که از پیشرفت علوم خرسند به نظر می‌رسند، از تحول موسیقی بی‌مناکند و معمولاً در این مورد عکس‌العمل نشان می‌دهند. لذا چنین برداشتهایی در کل به منزوی شدن هنر موسیقی یک جغرافیای خاص انجامیده، در نتیجه شرایط اضمحلال درونی آن را فراهم می‌کند. موسیقی جهانی در اثر پیشرفتهای منطقی و لازم، خود را از قید کهنگی و درجا زدن بیهوده رها ساخته و راه پویایی را در پیش گرفته است. ارنست فیشر جامعه‌شناس اثبات می‌کند که موسیقی به شکل سنتی، که فاقد ادبیات نوشتاری دقیق باشد وجود ندارد و آن چیزی که به این نام ارائه می‌گردد چیزی غیر اصیل و غیرسنتی است. زیرا موسیقیهای فاقد اصول اولیه، در شرایط انتقال سینه به سینه دچار کم و کاستیهای غیر لازم شده، ضرورتاً از حوزه اطلاق این نام دور می‌شوند. جان کیج^{۳۶} معتقد است که صدا نباید به عنوان یک واسطه میان شنونده و هنر موسیقی تصور شود، زیرا موسیقی صداست و صدا خود نوعی موسیقی است که در نتیجه می‌باید مستقیماً در برابر شنونده قرار گیرد و این البته به طبیعت خود صدا نیز بسیار نزدیکتر است. کیج چنین شرایطی را برای طرد روشنفکر نمایان از جامعه موسیقی لازم می‌داند و می‌گوید: «آنگاه است که مردم عادی خواهند توانست با خیالی آسوده و بدون از لباسهای پرزرق و برق، به آثار موسیقی گوش فرا دهند و هنر موسیقی از تسلط دو گروه کهنه‌پرست و جاهلان خوش لباس، رهایی خواهد یافت و در نتیجه بدون واسطه و به آسانی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.»

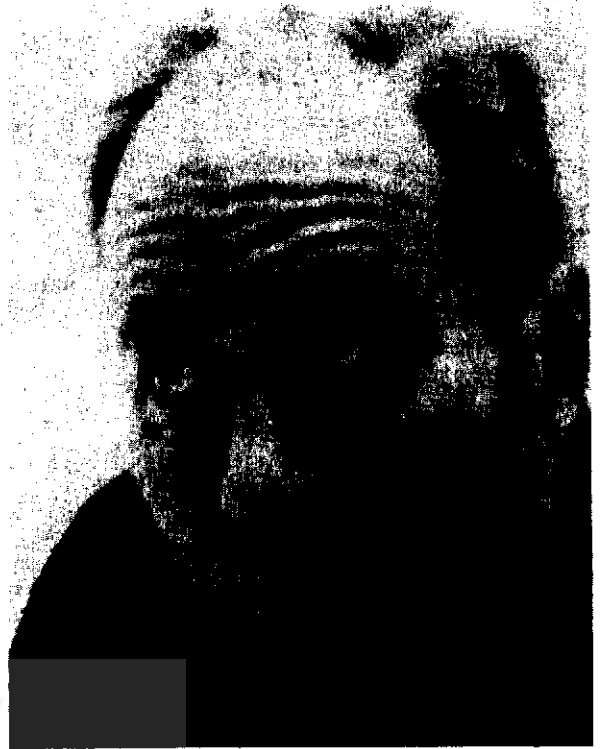
لویجی دالاپیکولا (۱۹۰۴) دارای چنین اعتقاد و منشی محسوب می‌شود. او ابتدا شیفته دبوسی بود، بعدها در تحول شخصی خود به مدرنیستها گرایش یافت و طی کنسرت‌های دوره‌ای خود از مدرنیسم به دفاع برخاست، وی به شکل آزاد موسیقی، فارغ از هر قید و

بندی معتقد بود و به همین دلیل قوانین سیریل را با روش شخصی خود به‌طور آزادانه‌ای در هم آمیخت. او نئورمانتیسم و اکسپرسیونیسم وینی را کنار گذاشت و قریحه فوق تصور خود را در تحریرهای آوازی و موسیقی برای آواز به کار گرفت. دالا پیکولا، در انجمن بین‌المللی موسیقیدانان معاصر، دفاع از مدرنیسم را در سولوچه کار خود قرار داد و با ساختن آثاری دو گروه جموداندیش و خوش‌لباسان کنسرت رویی تحرک را، مورد خطاب قرار داد. دالا پیکولا علاوه بر موسیقی به کار نقاشی و آموزگاری نیز روی آورد و به عنوان مغز متفکر موسیقی مدرن، شاگردانی متفکر و نوآور تربیت کرد. آثار دالا پیکولا عبارتند از «پرواز شبانه» (۱۹۴۰)، «زندانی» (۱۹۵۰)، «شغل»، «دیورتی مستو در چهارنفرین» برای سوپرانو و پنج ساز، سرود برای باریتون و هشت ساز، کنسرتو برای پیانو و کارهایی برای کر و ارکستر.

امروزه آهنگسازان انگلیسی بیشتر از بنجامین بریتن^{۳۷} مشهور متولد ۱۹۱۳ و مایکل کمپ‌تی پت^{۳۸} متولد ۱۹۰۵، از مکتب مدرن موسیقی انگلیس پیروی می‌کنند. تی پت خود نیز از آهنگسازان انگلیسی قرن شانزدهم و از هیندمیت تأثیر پذیرفته، کنترپوان و ریتمهای متقاطع را در آثار خود بکار گرفته است. او سابقاً مدیر موسیقی مورلی کالج^{۳۹} لندن بود و به تدریس آثار گرال و اجرای کنسرت‌های آموزشی اشتغال داشت. آثار تی پت، نشانگر مهارت‌های ویژه اوست. «ازدواج در نیمه تابستان»^{۴۰} برای کر و ارکستر «پربام شاه»^{۴۱}، «نات گاردن»^{۴۲} از آثار اهرایی وی و سه سمفونی، کنسرتو برای دو ارکستر زهی و کنسرتو برای ارکستر، فانتازی کنسرتانت روی یک تم از کورللی، کنسرتو و سه سونات برای پیانو، همچنین سه کوآرتت زهی، اوراتوریوی «کودک زمان ما»^{۴۳} که سمبل نفرت نسی پت از تمدن لجام‌گسیخته متجاوز به حقوق انسانهاست و کانتات «روبای سنت آگوستین»^{۴۴} از آثار

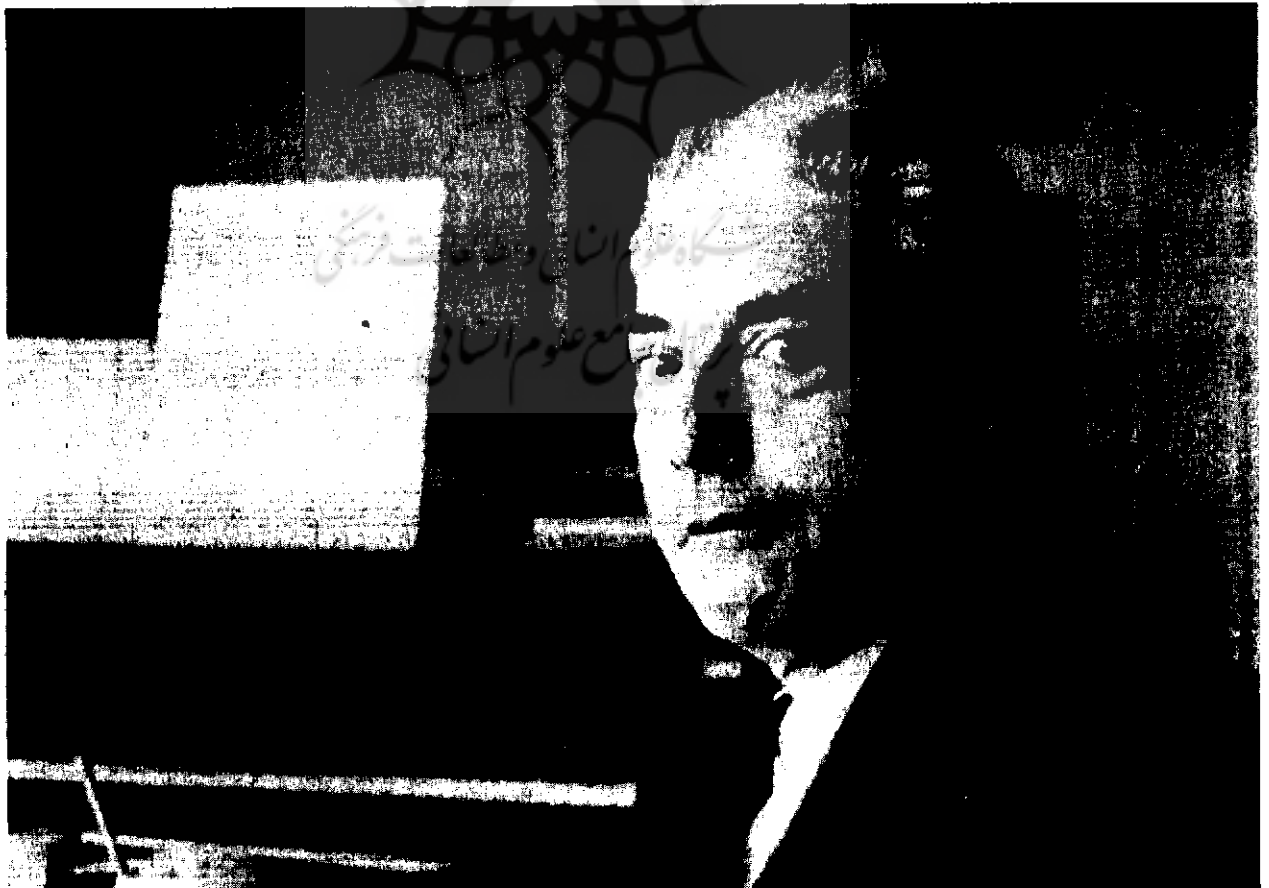


هانس روتر هنز



رونه لایب ربنز

اولیجی دالا پیکولا



BENJAMIN BRITTEN (1913-76)

Peter Grimes, Opus 33 (1945): To hell with all your mercy

50 *animato*

animato (C)

To hell with all your mercy! To

CHORUS (left)

Peter Grimes! Peter Grimes! Peter Grimes!

rall. *animato molto*

ppp

hell with your re-venge, ... And God ... have mercy u-pon you!

rall. *animato molto*

CHORUS (left)

TENOR *pp cresc*

Peter Grimes! Peter Grimes! Peter Grimes! Peter

BASS *pp cresc*

Peter Grimes! Peter Grimes! Peter Grimes! Peter Grimes! Peter



مایکل کمپ تی پت



بنجامین بریتن

زیبا و شدید او به جزیره اورکنی - اسکاتلند مایه گرفته است؛ جایی که دیویس برای مدتی چند در آن زندگی می‌کرد. دیویس از شاگردان پتراسی^{۴۸} در ایتالیا بود. او از تکنیکهای رایج قرون وسطایی در «سنت میکائیل» و «سونات برای هفده ساز» استفاده‌های شایانی کرده است. «پرولیشن»^{۴۹} برای ارکستر، مجموعه‌ای از آثار کرال قرون وسطی و نیز کوارتت زهی با عنصر بداهه‌نوازی و قطعاتی برای بجه‌ها و اپرای مینخانه‌چی از دیگر آثار او هستند.

هریسون برت ویسل^{۵۰}، آهنگساز دیگر انگلیسی متولد ۱۹۳۴ و از شاگردان هال^{۵۱}، چون دیگر موسیقیدانهای هموطنش وابستگی خود را به شیوه‌های قرون وسطایی حفظ می‌کند. او اثر ارکستری «پیروزی زمان»^{۵۲} را با الهام از کارهای تی پت تصنیف می‌کند که

نامی او هستند. تی پت در ۱۹۶۶ به پاس اقدامات و در جهت گرامیداشت آثارش، نامزد دریافت لقب شوالیه شد و افتخار اعطای این عنوان را برای ملکه انگلیس فراهم آورد. مصنفان امروزی انگلیس، با پیروی از بریتن و تی پت به فضایی بی‌سابقه و اوریژینال دست یافته‌اند. این حالت نوین، دراماتیسم محکم و قوی را به آنها ارزانی داشته است. یکی از آثار پتر مکسول دیویس^{۴۵} (۱۹۳۴) «هشت آواز برای شاه دیوانه»^{۴۶} نام گرفته است. این تراژدی - کمدی موزیکال، تصویر و شرح روشنی در مورد مختل شدن مغز شاه انگلیس جرج سوم را ارائه می‌دهد. این شخص از یک بیماری و ناخوشی ذهنی - عقلانی نادر رنج می‌برده است. از دیگر کارهای دراماتیک دیویس، می‌توان از اپرای مجلسی او به نام «شهادت سنت ماگنوس»^{۴۷} نام برد. این اثر از عشق

tti)

7 times 7 and 13 times 13

The musical score consists of several systems of staves. The top system features three vocal staves with the lyrics "jü san!" and a "shout ff" instruction. Below them are instrumental staves with "arco sul pont." markings and dynamic markings like "ff" and "pp sub.". A central section is marked "(unisono) (sempre sul pont.)" and "(accel.)". A section labeled "tutto di diavolo" is indicated by a downward arrow. The bottom half of the page shows more complex instrumental passages with "accel." and "rit." markings, and dynamic markings like "mp" and "p".

d) Threnody

مبین گونه‌ای از افکار فلسفی - روانی مربوط به جایگاه مرد در طراحی اشیا و امور است. از دیگر کارهای قدیمی‌تر او اپرای تک صحنه‌ای «پانچ و جودی»^{۵۴} می‌باشد که استفاده از نور در این اثر و وارد کردن آن به نمایش کهن و مردمی خیمه‌شب‌بازی حائز اهمیت است. از دیگر آثار هریسون مجموعه‌ای برای گُر و کوئینتت بادی، موسیقی برای خواب، تراژدی برای ده نوازنده بادی و کلاویه می‌باشد.

نیکولاس ما^{۵۴} از آهنگسازان انگلیسی اپرا، متولد ۱۹۳۵، هنوز هم به عنوان یک رمانتیسیم مدرن شهرت دارد. او مصنفی است که در جستجوی امکانات جدید در سازها و فرمهای متقدم به کارهای جالب توجهی دست زده و موسیقی انگلیس را غنی‌تر ساخته است. از آثار مشهور او اپرای طلوع ماه^{۵۵}، به عنوان یکی از موفقترین کارها در تاریخ موسیقی امروز مطرح می‌شود. «نمایش و آریاها» شامل کارهای کنسرنی برای سه خواننده زن به همراهی ارکستر، روی یک متن قدیمی فرانسوی، نکتورن برای متسوسوپرانو و ارکستر مجلسی و قطعه‌ای برای ارگ و کوارتت زهی، همچنین اپرای «نمایش یک مرد» از دیگر کارهای او محسوب می‌شوند.

از دیگر پست مدرنها می‌توان به یک فنلاندی، به نام آلیس سال لینن^{۵۶} متولد ۱۹۳۵ اشاره کرد که آثارش در پیروی از هم‌میهن نامدارش ژان سبیلیوس^{۵۷} تصنیف شده است. سال لینن چشم‌اندازها و افسانه‌های شمال سرزمین مادری‌اش را که در مجاورت جمهوری مستقل استونی واقع شده، دست مایه آثار خود قرار داده است. ژان سبیلیوس (۱۸۶۵-۱۹۵۷) از تحصیل‌کردگان برلین و وین بود - استعداد درخشان او و توجه مخصوص دولت فنلاند، امکان تصنیف آثار خارق‌العاده‌ای را برای او فراهم کرد. قطعه «فنلاندیا» از شاهکارهای این ناسیونالیست فنلاندی است. کنسرتو ویولن باشکوه و سمفونیهای جاودانه‌اش به همراه

Furiously, with great energy!

Electric Violin I.
Electric Violin II.
Electric Viola.
Electric Cello.

(sempre sul pont.)
E. Vin. I.
E. Vin. II.
E. Via.
E. vc.

(unisono)
(sempre sul pont.)
E. Vin. I.
E. Vin. II.
E. Via.
E. vc.

PAUL HINDEMITH (1895-1963)
Mathis der Maler (1934-35): Sechstes Bild

Very slow, free in measure
Sehr langsam, frei im Zeitmaß

pp-mf rubato cresc. f p cresc.

The first system of the musical score features a piano introduction. The right hand plays a series of chords with a melodic line, while the left hand provides a harmonic accompaniment. The tempo is marked 'Very slow, free in measure' and 'Sehr langsam, frei im Zeitmaß'. Dynamics range from *pp-mf* to *f p*. Performance instructions include *rubato*, *cresc.*, and *f p cresc.*

ff dim.

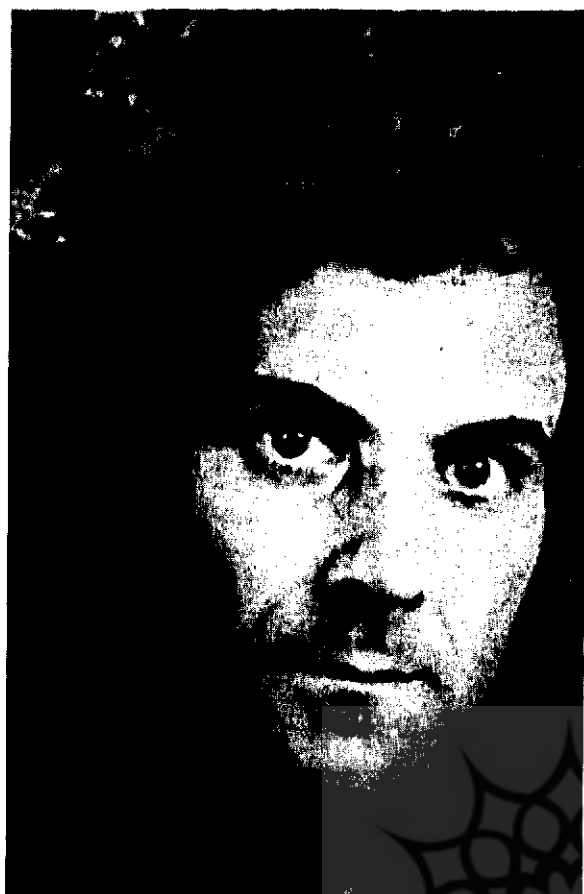
The second system continues the piano introduction. The right hand features a more active melodic line with some grace notes. The left hand maintains a steady accompaniment. Dynamics include *ff* and *dim.*

ff rubato cresc.

The third system shows a continuation of the piano introduction. The right hand has a complex texture with many grace notes. The left hand has a more rhythmic accompaniment. Dynamics include *ff*, *rubato*, and *cresc.*

dim.

The fourth system concludes the piano introduction. The right hand has a complex texture with many grace notes. The left hand has a more rhythmic accompaniment. Dynamics include *dim.*



پتر مکسول دیویس



پارل هندمیت

بلاز توک



بسیاری از دیگر آثار، او را در ردیف موسیقیدانان بزرگ و هنرمندان طراز اول جهان قرار داده است. آرژو پارت ۵۸ متولد (۱۹۳۵) به عنوان یک سرپالیست، این تکنیک را سرلوحه کارهای خود قرار می‌دهد، اما در طی یک تحول شخصی به دوباره کاری بعضی از فرمها و سبکهای کهن موسیقی روی می‌آورد و در این خط سیر، به آهنگهای ساده اتحاد شوروی فروپاشیده و بافتهای پولیفونی توجه خاصی مبذول می‌دارد.

آلفرد ایشنیکه ۵۹ متولد (۱۹۳۴) همچون آرژو پارت از تکنیک سربیل بهره‌ها می‌گیرد. تأثیر موسیقی الکترونیک نیز بر ایشنیکه غیرقابل انکار به نظر می‌رسد. او این تأثیرات و حالات را با انواعی از احساسات سنگین و موقر در هم آمیخته و از شوستاکویچ و

مدرنیته او بهره‌مند می‌شود.

ویژگی مهم دیگر موسیقی پست مدرن در مینی‌مالیست^{۶۰} بودن موزیسینهای آن نهفته است. این استیل از مینی‌مالیسم گرفته شده و به مفهوم حداقل سازی مقدار متریال موسیقایی، در جهت ساختن و بنا کردن سراسر یک قطعه می‌باشد. پست مدرنیستها همانند هنرمندان آبستره، از چند ترکیب و قالب متمایز اساسی استفاده کرده و به آفرینش منحنیها و خطوطی دست می‌یابند که به طرحی گیرا و جذاب می‌انجامد. قاعده کلی در این کارها اغلب بر محور تکرار و تقلید استوار است. آنها با گزینش یک یا دو موتیف اصلی، شامل یک فراز ملودیک مختصر و یک سلسله آکورد و تکرار مداوم و بیش از حد آن در پروسه زمانی به منطق خود دست می‌یابند. در این حین سکانس بتدریج به وسیله یک نت یا یک اکسان ریتمیک دچار تغییر می‌شود. و بدین ترتیب، موسیقی به توسعه دست



آلبرت روسل

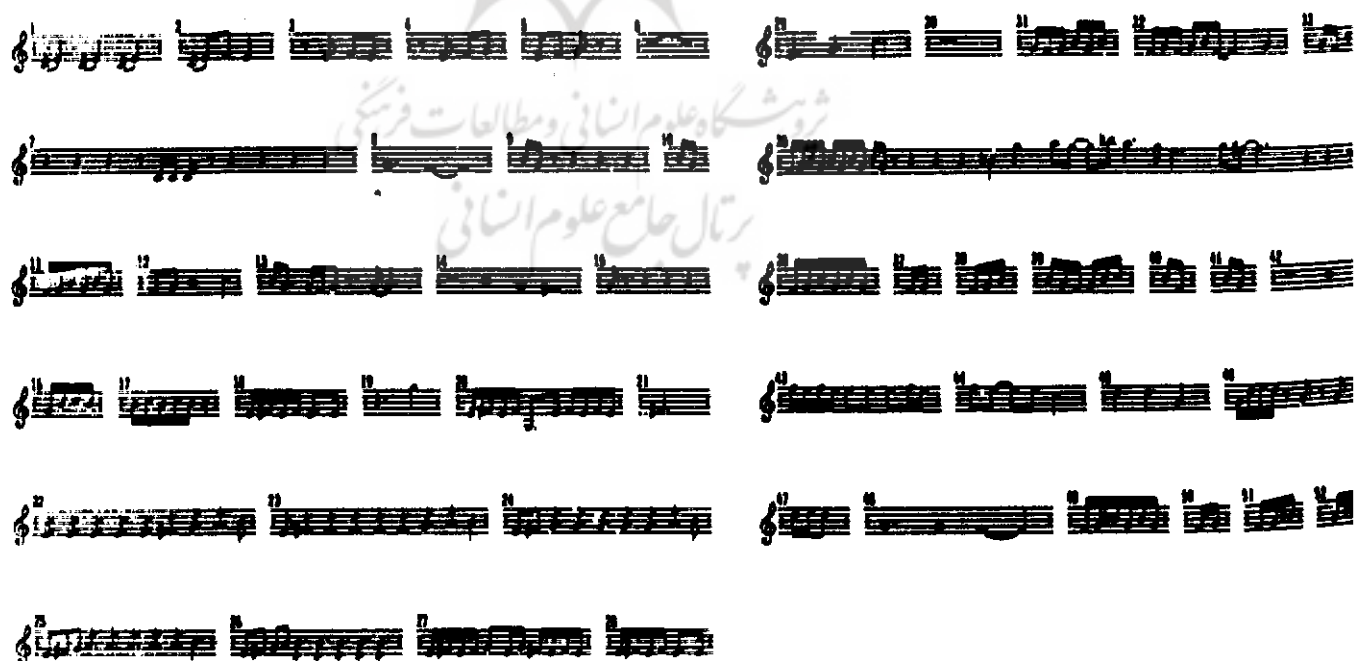
ارپک سانی

در تصویر مقابل علاوه بر ۵۳ فیکور مینی‌مالیستی یک پارت پیانوی یادداشت شده نیز وجود دارد. ضربه‌های مرکب از یک جفت دوی بالا روی کلاروبه‌های ساز تکرار می‌شوند که مفهوم همراهی را القا می‌کنند. این عامل همانند هشت نت مساوی در سرتاسر اثر به گوش می‌رسد. هر یک از ۵۳ فیکور یادداشت شده تا ضربات پادشده باید هماهنگ باشد. این فیکورها در پروسه زمانی نامعینی بنا به دلخواه اجراکننده تکرار می‌شوند. آن می‌تواند به طول چند دقیقه یا حتی چند ساعت ادامه یابد. این اثر بوسیله ضبط کلمبیاء در روی دیسک ارائه شده است.





ژان کوکتو و ایگور استراوینسکی



NOT AS A BIRTH
BUT AS LOVE

DOST YA
THE BURN-
ING BUSH

CONTINUE

FAR-REMOVED

OOMOO

ODYODZKE
CING

THAT
SHALL



WILL YOU
GIVE ME TO
TELL YOU?

BREAKING
THE SHELL

AT REST

کنسرتو برای پیانو و ارکستر اثر کج

AU

AW

AY



جان کیج

ساخته می‌شود. ساتی با ژان کوکتو، دیاگلیف (سفارش‌دهنده و طراح باله‌های مدرن استراوینسکی)، پیکاسو و میلو (۱۸۹۲-۱۹۷۴) پیانونواز فرانسوی و از آهنگسازان سرآمد گروه ۶ نفری که هدفشان تصنیف نوعی موسیقی عتاری از زرق و برق، صادقانه و به‌دورازطرز فکرهای قدیمی بود) دوستی صمیمانه‌ای داشت و به علت طبع ناآرام خود در نهضت‌های پیشرو زمانه‌اش چون کوپیسم، دادائیسیم، سوررئالیسم و مدرنیسم اولیه فعالانه شرکت کرد. ساتی گروه ۶ نفری از آهنگسازان فرانسه را تحت تأثیر خود قرار داد. دکتور بعضی از آثار ساتی بوسیله پیکاسو تهیه می‌شد. ساتی دوران مختلفی در خلافت داشته است. اولین دوره با گرایش شدید وی به موسیقی مودال بود که تا حدود ۱۸۹۸ به طول انجامید. بعد از این سال آرام آرام ضدیت او بر علیه فریبندهای هارمونیک، اوج گرفت و وی را در

می‌یابد. این ایده تغییر و تعویض، تکرار و تقلید، چیز تازه‌ای نیست و البته به وسیله شخص بخصوصی نیز ابداع نشده است. لاجرم می‌توان، نمونه‌های آن را در انواعی از موسیقیها یافت. نوای طبلمهای قبایل آفریقای، موسیقی جاوه‌ای، راجه‌های هندی، پژواک زنگها، سرآغاز پرلود دومازور از کلکسیون ۴۸ پرلود و فوگ باخ، پاساژهای متعدد در کارهای سیبلیوس، ژیمنوپدی^{۶۱} شناخته شده اریک ساتی، نمونه‌های خوبی از این فرم هستند.

اریک ساتی^{۶۲} (۱۸۶۶-۱۹۲۵) آهنگساز و موسیقیدان فرانسوی در ابتدا و بعد از اتمام تحصیل در کنسرواتور پاریس به عنوان پیانیست در مونمارتر شروع به کار کرد. آشنایی او با دبوسی به تفکرات بی‌قرار وی سامان می‌دهد تا اینکه در سی و نه سالگی به شاگردی روسل^{۶۳} و ودندی^{۶۴} درمی‌آید و شخصیت عجیب وی

جستجوی سادگیهای ملودیک و کنتراپوان قرار داد. سال ۱۹۱۶ او در تحول سوم خود به موسیقی عینی دست می‌یابد که قطعات «پاراد»^{۱۵} و «سقراط»^{۱۶} حاصل این گرایش است. «مس فقرا»^{۱۷} برای صدای انسان و ارکستر مجلدی یکی دیگر از کارهای اوست. ساتی برای سلوهای پیانو و دوئت‌هایش عنوانهای نامتعارف و غریب برگزیده است. مثلاً «سه قطعه گلابی پکه‌چور» یا «ورزش و تفریح»^{۱۸} از این سری به شمار می‌روند.

آنچه از کارهای مینی‌مالیست‌ها به‌طور مجزا و مشخص امروزه ساخته می‌شود در روی یک خط طولی مرتبط با موسیقی متمرکز است. این تکنیک ویژه، از یک روش مجزای توسعه‌یافته تشکیل شده، با همه فرمهای هارمونیک و ملودیک قبلی، در کنتراست قرار می‌گیرد. این طرز تلقی جدید به روشی نوین که در آن مدرنیته به چشم می‌خورد، می‌انجامد. صدای نمونه‌های ارائه‌شده می‌تواند بسیار خوشایند، ملایم و آرام‌بخش باشد که در این صورت به عنوان محرکهای لازم برای جوامع و افراد عصبی در تمدن امروزی توصیه شده است. نقطه مقابل این آرامش، نیرومندی، قدرت و تحرک است که بیشتر اوقات به موسیقیهای جاز و راک متعلق می‌باشد. نوع اخیر نیز در مقابل افسردگی و انواع حالات سرخورده و منزوی موارد مصرف می‌یابد که در نتیجه موسیقی به عنوان شکلی از اشکال مرده متوقف شده و همانند اشیای عتیقه از زندگی روزمره خارج می‌گردد. این دقیقاً سرنوشت موسیقی واپسگراست که به اصلاحات و بازبینی‌های دقیق نیازمند است تا از اضمحلال و فروپاشی نجات یابد. در غیر این صورت نابودی آنها حتمی به نظر می‌رسد؛ زیرا از دهه‌های میانی سده بیستم این افول مشاهده شده و به ثبت رسیده است. لذا با توجه به آنچه که گذشت در موسیقی پویای مینی‌مالیستی، پایان اثر یکباره فرا نمی‌رسد بلکه این به شکل گونه‌ای از مرگ تدریجی که به نوعی فید شبیه است، راه خاموشی را در

پیش می‌گیرد و این در حالی است که نمونه‌های ارائه‌شده در قطعه به شکلی بی‌پایان جرح و تعدیل شده، تکرار می‌شوند.

جان کیج موسیقیدان آمریکایی متولد (۱۹۱۲) که دو سال پیش (۱۹۹۲) چشم از جهان فروبست، از تأثیرگذاران مدرنیته در موسیقی آمریکا محسوب می‌شود. او تحقیقات وسیعی را در زنگ و طنین انواع صدا در روی بسیاری از اشیاء انجام داده است. جان کیج که از شاگردان شوئنبرگ محسوب می‌شود در نواختن پیانو نیز از سرآمدان دوران خود بود. کیج با دستکاریهای مخصوص در روی پیانو، موفق به تولید صداهای اصلاح‌شده گردید و آثار خود را برای ارکستر و پیانوی تغییر یافته^{۱۹} تصنیف کرد. او با قراردادن تکه‌های چرم، چوب و پلاستیک در لابلاهای سیمهای پیانو، موفق به ایجاد صداهای نو گردید. قطعه «چشم‌انداز خیالی» او برای دوازده دستگاه رادیو که اولین اجرای آن در ۱۹۵۱ انجام گرفت جزو کارهای شگفتی‌آفرین این قرن به حساب می‌آید. این اثر مستلزم ۲۴ اجرا به شکل دوتا برای هر دستگاه می‌باشد که با توجه به اولویت دینامیسم و نسبت صدا و سکوت مبتنی بر یک اتفاق ساخته شده است. جان کیج به عامل اتفاق در شکل‌گیری ساختمان یک قطعه معتقد بود و به همین دلیل، اتفاق یکی از عوامل تشکیل‌دهنده ساختارهای موسیقی اوست. کیج با فراهم کردن آزادیهای بی‌حد و حصر در تصنیف و اجرای موسیقی روشهای تازه‌تری را به آزمایش گذاشت. او با پناه‌بردن به بودائیسم و اختیار گونه‌ای از زندگی شبیه به روشهای زندگی آسیای جنوب شرقی تعجب همگان را برانگیخت. کیج چون دیگر پست‌مدرنیستها، سهم عمده‌ای را برای شنوندگان موسیقی اختصاص می‌دهد و گاه از همه و صدای تماشاگران نیز به عنوان افکتها و مکملهایی برای موسیقی خود سود می‌جوید. او نیز از حدود ۱۹۵۰ چون دیگر آهنگسازان پست‌مدرن، عنصر اصلی اجرایی



اِبرای «نیکسون در چین» اثر جان آدامز

تکنیک مینی مالیستی می تواند در مقاصد جدی نیز مورد استفاده قرار گیرد. «قطارهای در حال گذر»^{۷۴} او یک اثر مشهور و شناخته شده است که برای کوارتت زهی و صداهای از پیش ضبط شده ترن منظور می شود.

فیلیپ گلاس^{۷۵} متولد (۱۹۳۷) علاوه بر یک اتود از موسیقی سرخپوستی، چندین اپرا بر پایه عقاید و ایده های مینی مالیستی ساخته است. «آخناتون و انیشتین در ساحل»^{۷۶} یکی از این آثار است.

جان آدامز^{۷۷} متولد (۱۹۴۷) اپرای بسیار محبوب و مردمی «نیکسون در چین»^{۷۸} را تصنیف کرده است. «حلقه های تکان دهنده»^{۷۹} اثر دیگر او مربوط به جامعه مذهبی امریکای قدیم است که توأم با اجرای سرود، حرکت و رقص می باشد.

را که در آن همه چیز از قبل پیش بینی شده، کنار گذاشته و به عامل تصمیم در حین اجرا روی می آورد، که این البته به اتفاق و جریان لحظه ای بیشتر وابسته است. این حرکت ظاهراً و در نهایت دوام خود را در سالهای آتی از دست می دهد.

دیگر نماینده مهم مینی مالیست ها در امریکا «تری رابلی»^{۷۰} متولد (۱۹۳۵) ساکسیفونیستی به خوبی یک آهنگساز است. صدا و نقش ساز او در پاره ای از قطعاتش حک شده است. یکی از آثار او به نام «پیشینه کالیفرنایی»^{۷۱} با برخوردارری از ریشه های آیین مذهبی و فضای واقع گرایانه در میان دیگر آثارش از جمله «خشخاشهای بد و گروه فریبنده» و «قوس و قزح در فضای منحنی»^{۷۲} از آرامش و حالت خواب مانند ای برخوردارند.

استیو رایج^{۷۳} متولد (۱۹۳۶) نشان داده است که

42. Knot Garden.
43. A child of our time.
44. The vision of St. Augustine.
45. Peter Naxwell Davies.
46. Eight songs for a mad king.
47. martyrdom of st. Magnus.
48. Petrassi.
49. Prolation.
50. Harrison Birt Wistle.
51. Hall.
52. Trlumph of time.
53. Punch and Judy.
54. Wicholas Maw.
55. The Rising of the moon.
56. Aulis Sallinen.
57. Jean Sibelius.
58. Arvo Part.
59. Alfreed Schnitke.
60. Mini Malists.
61. Gymnopedies.
62. Erik Satie.
63. Roussel.
64. Vincent D'indy.
65. Parade.
66. Socrate.
67. Messe des pauvres. (F)
68. Sports et Divertissements. (F)
69. Prepared Piano.
70. Terry Riley.
71. Californian Background.
72. Rain bow in curved air.
73. Steve Reich.
74. Passing Trains.
75. Philip Glass.
76. Akhnaten and Einstein on the beach.
77. John Adams.
78. Nixon in China.
1. Olivier Messiaen.
2. Karl heinz stockhavsén.
3. Pierre Boulez.
4. Martin.
5. A. Webern.
6. Pavl Hindemith.
7. Luciano Berio.
8. Pavl Hindemith.
9. Bela Bartok.
10. Krzysztof Penderecki.
11. Rene Leibwitz.
12. The Hammer without Master
13. Fold upon fold.
14. Le Soleil des eaux. (F)
15. Eclats. (F)
16. Visage nuptial. (F)
17. Polyphony X.
18. Witold Lutoslawski.
19. Little Suite.
20. Silesian Triptych.
21. St. Luke Passion.
22. Devils of Loudun.
23. Gyorgy Ligeti.
24. Le grand macabre. (F)
25. Hans Werner Henzo.
26. Fortner.
27. Elegy for young lovers.
28. The Bassarids.
29. The raft of the Medusa.
30. Gericault.
31. Luigi Dalla Piccola.
32. Iempi Concertati. (It)
33. Allez Hop. (F)
34. Nones et Mutazioni. (It)
35. Epiphania.
36. John Cage.
37. Benjamin Britten.
38. Michael Kemp Tippett.
39. Morley College.
40. The midsummer marriage.
41. King Priam.